

بررسی تطبیقی جایگاه تربیت در قرآن و کنوانسیون حقوق کودک*

- سید محمود مرویان حسینی^۱
□ مهدی عبادی^۲

چکیده

این نوشتار پس از مفهوم‌شناسی تربیت و تبیین جایگاه آن در حقوق کودک، به معرفی قرآن و کنوانسیون حقوق کودک به عنوان دو نظام‌واره تربیتی پرداخته است. پس از بررسی تطبیقی که به دو لحاظ کیفی و کمی صورت پذیرفت، این امر نمایان شد که کنوانسیون حقوق کودک از کاستیها و نارساییهای فراوانی در زمینه تربیتی برخوردار است. در نهایت این نتیجه به دست آمد که تربیت کودک در قرآن از جایگاهی ممتاز و جامع‌تر نسبت به کنوانسیون برخوردار است. واژگان کلیدی: تربیت، قرآن، حقوق کودک، کنوانسیون حقوق کودک.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۲/۱۳.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی (marvian3@yahoo.com).

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث (نویسنده مسئول) (mahdi.ebadi65@gmail.com).

مقدمه

امروزه مباحث مربوط به حوزه خانواده و زیرشاخه‌های آن از اهمیت قابل توجهی برخوردار است، به طوری که ذهن و اندیشه بسیاری از اندیشمندان علوم انسانی را به خود جلب کرده است.

تربیت کودک از جمله مباحث مهمی است که در حوزه خانواده مطرح است. مبحث تربیت کودک از مسائل ریشه‌ای و مهم است که در میان دیگر مسائل علوم انسانی اهمیت قابل توجهی دارد.

قرآن، به عنوان جامع‌ترین منبع هدایتی بشریت، درباره تربیت کودک نیز مطالب بسیاری دارد و نظام تربیتی منحصر به فردی را تعریف می‌کند. اگر در میان دیگر مکتبها و اندیشه‌ها نیز بررسی شود، مسائل مربوط به کودک و به ویژه تربیت کودک بسیار مشاهده می‌گردد. اما این سؤال مطرح می‌شود که در میان غوغای اندیشه‌ها و مکتبها کدام نظام تربیتی جامع‌تر و برتر است و کدام یک علاوه بر تئوری پردازیهای عالی به ارائه راهکار و روش و آسیب‌شناسی در حوزه عمل اقدام کرده است. در واقع، در جامعه کنونی به کدام مکتب باید عمل کرد و نظام تربیتی آن را پذیرفت.

مفهوم‌شناسی تربیت

تربیت از ریشه «ربو» به معنای فزونی و نمو است (ابن مکرّم، ۱۴۱۴: ۱۲۶/۵). راغب اصفهانی، بر این باور است که «رَبَّیت الولد؛ فرزند را تربیت کردم»، از واژه «ربو» گرفته شده است (بی‌تا، ۳۴۰). او همچنین می‌نویسد: رب، در اصل به معنای تربیت است و آن به معنای ایجاد چیزی به صورت تدریجی و در فرایند است تا به کمال خود برسد (همان: ۳۳۸).

یکی از معاصران، میان سه واژه «ربی‌ء» مهموز و «ربب» و «ربو» تفاوتی قائل است. به نظر وی، «ربی‌ء» به معنای علو و بلندی، «ربب» به معنای کشاندن به سوی کمال و «ربو» به معنی پذیرش گسترده‌گی و شکوفایی است که نتیجه‌اش زیادی و فضل باشد (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۳۴/۴).

ابن مکرّم، به کارگیری واژه تربیت را تنها در چیزهایی صحیح می‌داند که قابلیت و شأن رشد و نمو را در یک فرایند دارا باشد؛ از این رو، کاربرد آن را درباره فرزند و کشت و زراعت درست می‌داند، ولی کاربرد این واژه را در چیزهای دیگری که قابلیت رشد و نمو نداشته باشند، نادرست می‌شمارد (ابن مکرّم، ۱۴۱۴: ۱۲۸/۵).

پس تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت در آوردن و پروردن. بنابراین تربیت فقط در مورد جاندارها یعنی گیاه، حیوان و انسان صادق است و اگر این کلمه را در مورد غیر جاندار به کار ببریم مجازاً به کار برده‌ایم.

و از همین جا معلوم می‌شود که تربیت باید تابع و پیرو فطرت، یعنی تابع و پیرو طبیعت و سرشت شیء باشد. اگر بنا باشد یک شیء شکوفا شود، باید کوشش کرد همان استعدادهایی که در آن هست بروز و ظهور کند. اما اگر استعدادی در یک شیء نیست، بدیهی است آن چیزی که نیست و وجود ندارد، نمی‌شود آن را پرورش داد (مطهری، ۱۳۸۵: ۵۵۲/۲۲).

در مجموع می‌توان گفت: «تربیت، فرایند کمک به فرد تربیت‌پذیر برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان، در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری اوست که به واسطه عامل انسانی دیگر برای دستیابی وی به کمال و شکوفاسازی استعدادها یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهای او می‌باشد» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۷۷).

جایگاه تربیت در حقوق کودک

حقوق کودک، مجموعه‌ای از انتظارات و وظایف مشخصی است که بر عهده والدین، خویشان و در مراحل بالاتر، حاکمان و دولتها و حتی همه افراد بشر بوده که در راستای رشد، تعالی و بالندگی کودکان قرار دارد.

این حقوق دارای ابعاد و جنبه‌های گوناگونی است. در یک تقسیم‌بندی کلی حقوق کودک به دو نوع مادی و معنوی قابل تقسیم است، که یکی از حقوق معنوی کودکان حق تربیتی می‌باشد.

قرآن و تربیت کودک

از آنجا که هرگونه برنامه‌ریزی برای انسان مستلزم شناخت جامع از ابعاد و پیچیدگی‌های او می‌باشد و این امر جز به مدد وحی میسر نمی‌شود؛ زیرا هیچ کس به اندازه خالق انسان، به تمام زوایای وجودی انسان شناخت و معرفت ندارد، از این رو همه صورت‌بندیها و تدوینهای فارغ از جهان وحی ناقص و نارسا خواهد بود. خداوند متعال در این رابطه می‌فرماید: ﴿أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾ (نحل / ۱۷)؛ پس آیا کسی که می‌آفریند چون کسی است که نمی‌آفریند؟ آیا متذکر نمی‌شوید؟

﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾ (یونس / ۳۵)؛ پس آیا کسی که به سوی حق رهبری کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی‌نماید مگر آنکه (خود) هدایت شود؟ شما را چه شد؟ چگونه داوری می‌کنید؟

از آنچه گفته شد می‌توان به اهمیت تربیت و نقش آن در زندگی دنیوی و اخروی انسان دست یافت. تربیت به معنای پرورش انسانهایی کامل بر پایه آموزه‌های وحیانی، اهمیت بسیاری دارد. بنابراین برای دستیابی به جامعه برتری که زمینه‌های رشد و تکامل فردی و اجتماعی را فراهم می‌آورد، بهره‌گیری از روشهای تربیتی قرآن بسیار مفید است. آیه ۶ سوره تحریم به مسئله تکلیف و وظیفه افراد در برابر اعضای خانواده و پرورش آنان اشاره دارد. چنانکه سوگندهای متعدد خداوند به تزکیه نفس و پرورش آن (شمس / ۹-۱) به بعد دیگری از آن توجه می‌دهد. در یک جمله، چنانکه گفته شد هدف اصلی بعثت پیامبران نیز تربیت انسانهاست. تربیت، در سطوح مختلف افراد بشری مهم‌ترین امری است که قرآن بدان عنایت دارد و در واقع تربیت انسان زیربنای هدف قرآن که هدایت بشر است، قرار دارد.

از آنجا که کودکان، آینده جامعه بشری را تشکیل می‌دهند و چون تربیت و هدایت در دوران کودکی تأثیر بسزایی در آینده فرد دارد و در واقع آینده او را می‌سازد، لذا قرآن به مسئله تربیت کودکان توجه خاصی مبذول داشته است و از همان کودکی برای هدایت انسان برنامه دارد.

آیات بسیاری در قرآن کریم وجود دارد که مسئله تربیت کودکان را به طور مستقیم و غیر مستقیم در ابعاد گوناگون و با شیوه‌های مختلف مطرح می‌کند. به عنوان نمونه به آیاتی از قرآن پیرامون تربیت کودک اشاره می‌شود.

۱. نکات تربیتی مستقیم

از جمله دستورات قرآن که مربوط به تربیت روانی و جنسی کودکان می‌باشد، نحوه ورود و خروج آنان به استراحتگاه والدین است که باید توسط والدین تذکر و آموزش داده شود:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بردگان شما و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، و نیمروز هنگامی که لباسهای (معمولی) خود را بیرون می‌آورید، و بعد از نماز عشا؛ این سه وقت خصوصی برای شماست اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون اذن وارد شوند) و برگرد یکدیگر بگردید (و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمایید). این گونه خداوند آیات را برای شما بیان می‌کند و خداوند دانا و حکیم است. و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همان گونه که اشخاصی که پیش از آنان بودند اجازه می‌گرفتند. این چنین خداوند آیاتش را برای شما بیان می‌کند و خدا دانا و حکیم است (ر.ک: نور/ ۵۸-۵۹).

۲. نکات تربیتی غیر مستقیم (در ضمن داستانها)

الف) داستان ابراهیم ع و نکات تربیتی که در برخورد با اسماعیل ع به ما می‌آموزد. اعتماد، مشورت و تقویت مسئولیت‌پذیری از نکات قابل توجه در این داستان است:

هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش رسید، گفت: «پسر! من در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم، نظر تو چیست؟» گفت: «پدرم! هر چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت!» (ر.ک: صافات/ ۱۰۲-۱۰۳).

ب) داستان لقمان و موعظه‌هایش در قرآن نمونه بسیار زیبایی از آموزشهای همراه با حکمت یک پدر متعهد به فرزند خویش می‌باشد.

۱. موعظه و انداز:

پسرم! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (کار نیک یا بد) باشد، و در دل سنگی یا در (گوشه‌ای از) آسمانها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را (در قیامت برای حساب) می‌آورد، خداوند دقیق و آگاه است (ر.ک: لقمان/ ۱۶).

۲. نصیحت بر اعمال خیر:

پسرم! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصیبتی که به تو می‌رسد شکیبیا باش که این از کارهای مهم است (لقمان/ ۱۷).

۳. معاشرت با مردم:

بابی‌اعتنایی از مردم روی مگردان و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد (ر.ک: لقمان/ ۱۸).

۴. آداب تکلم و راه رفتن:

در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن و از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزین) که زشت‌ترین صداها صدای الاغهاست (ر.ک: لقمان/ ۱۹).

کنوانسیون حقوق کودک

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در اجلاس بیستم نوامبر ۱۹۵۹، اعلامیه جهانی حقوق کودک را در یک مقدمه و ده ماده به تصویب رساند. در قسمتی از مقدمه این اعلامیه چنین آمده است: «این اعلامیه، حقوق کودک را با این هدف که ایام کودک توأم با خوشبختی بوده و کودک از حقوق و آزادیهایی که در پی خواهد آمد، به خاطر خود و جامعه‌اش بهره‌مند شود رسماً به آگاهی عموم می‌رساند...» و به دنبال آن پس از گذشت سی سال (سال ۱۹۸۹) جهت تکمیل و در نظر گرفتن حقوق و امتیازات بیشتر برای کودکان، این مجمع، «کنوانسیون حقوق کودک» را تصویب کرد (عبادی، ۱۳۷۵: ۱/۱۷۷).

به طور کلی، این کنوانسیون شامل مقدمه، سه بخش و ۵۴ ماده می‌باشد. بخش اول که شامل مواد یک تا ۴۲ می‌باشد، به مواردی از قبیل موارد زیر اشاره نموده است: تعریف کودک، بهره‌مندی یکسان تمامی کودکان از حقوق مطروحه در

کنوناسیون، حمایت از کودک بی خانواده، فرزندخواندگی، کودکان آواره و کودکان ناقص العضو.

همچنین حقوقی که باید از طرف دولتهای عضو برای کودکان به رسمیت شناخته شود، مانند: حق بقا و پیشرفت، حق نام و ملیت، حق آزادی ابراز عقیده و به کارگیری آن در هر موردی که به زندگی اش مربوط می شود، حق آزادی بیان، حق آزادی مذهب، حق تشکیل اجتماعات، حق عدم دخالت در امور خصوصی، خانوادگی و مکاتبات، حق دسترسی به اطلاعات از منابع مختلف، حق برخورداری از بالاترین سطح بهداشت، حق برخورداری از آموزش و پرورش، حق عدم مجازات اعدام و حبس ابد در مورد کودکان زیر هیجده سال، حق تفریح و بازی.

بخش دوم و سوم که مشتمل بر دوازده ماده است، ناظر به چگونگی اجرای کنوانسیون حقوق کودک می باشد، مواد ۴۶ و ۴۷، نحوه الحاق به کنوانسیون را مورد تبیین قرار داده است. در مرحله اول خواسته ها و موقعیت کشورهای که مایل به انعقاد قرارداد هستند، در حضور نمایندگان آنان مطرح و مورد بررسی قرار می گیرد و مسائل مورد توافق مشخص می گردد. در مرحله بعد، معاهده به زبانهای رسمی کشورهای متعاقد و یا چند زبان مختلف نوشته می شود و سپس مرحله امضا می باشد که معمولاً توسط نمایندگان تام الاختیار که اختیار لازم را برای امضای قرارداد داشته باشند، صورت می پذیرد (همان: ۱۸۹/۱-۲۱۸؛ سعیدنیا، ۱۳۸۵: ۲۰۸-۲۴۲؛ منصور، ۱۳۸۲: ۱۶۵-۱۹۹).

دولت جمهوری اسلامی ایران، در سال ۱۳۷۲ به این کنوانسیون ملحق گردید، مشروط به اینکه: «مفاد کنوانسیون در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد از طرف دولت جمهوری اسلامی لازم الرعایه نباشد» (عبادی، ۱۳۷۵: ۱۸۷/۱؛ ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۱: ۸۳-۸۵؛ سعیدنیا، ۱۳۸۵: ۲۰۷؛ اسعدی، ۱۳۸۷: ۴۰۹؛ منصور، ۱۳۸۲: ۱۶۵).

به طور کلی، کنوانسیون حقوق کودک، گامی مثبت در راستای توجه به نیازمندیهای وی برداشته است. این معاهده، مشتمل بر نکات ارزشمندی از جهت تربیتی است که برخی مستقیماً تعلیم و تربیت کودک را مورد توجه قرار داده،

برخی موانع تربیت را گوشزد نموده و هشدار داده و بعضی دیگر بهداشت روانی کودک را به عنوان مقدمه ضروری، مورد تأکید قرار داده است.

بررسی تطبیقی قرآن و کنوانسیون

با دقت و تأمل در آیاتی که درباره تربیت کودک می‌باشد و مشاهده بندهای تربیتی کنوانسیون حقوق کودک، می‌توان تفاوت‌های آنها را به دو بخش کلی تقسیم کرد:

بخش اول: به لحاظ کمی

کنوانسیون، بندهای اندکی (تنها مواد: ۲۹؛ اهداف تربیتی و ۲۸؛ حق آموزش و پرورش) را به تربیت کودک اختصاص داده است و به جای پرداختن به مسئله مهمی چون تربیت - که شاید مهم‌ترین بخش حقوق کودک را شامل می‌شود - بیشتر به انواع آزادیهای حقوقی کودک اشاره می‌کند. ولی با نگاهی به قرآن مشاهده می‌کنیم که مقوله تربیت دارای آیات بسیاری است و بخش قابل توجهی از حقوق کودک به تربیت پرداخته است (لباف، ۱۳۸۵: ۸-۱۰).

بخش دوم: به لحاظ کیفی

این تفاوتها در دو سطح قابل طرح و بررسی می‌باشند.

اول: اختلافات مبنایی

الف) کرامت انسان

زیربنای بحثهای قرآن در مورد انسان، از جمله کودک، کرامت انسان است. همچنان که در آیه **﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾** (اسراء/ ۷۰) به این امر تأکید شده است (رک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳/۲۱۵).

بر اساس همین مبنا، هنگامی که به تربیت کودک می‌پردازد، کرامت او را نیز مدنظر قرار می‌دهد. برای نمونه وقتی پیرامون فرزندخواندگی بحث می‌کند، چنین می‌فرماید:

﴿ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَا كُنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (احزاب/ ۵)؛ آنها را به نام

پدرانشان بخوانید که این کار نزد خدا عادلانه‌تر است و اگر پدرانشان را نمی‌شناسید، آنها برادران دینی و موالی شما هستند. اما گناهی بر شما نیست در خطاهایی که از شما سر می‌زند (و بی‌توجه آنها را به نام دیگران صدا می‌زنید)، ولی آنچه را از روی عمد می‌گویید (مورد حساب قرار خواهد داد) و خداوند آمرزنده و رحیم است.

بر اساس این آیه، هم احترام و حق پدران ایشان حفظ شده و هم کرامت فرزندخوانده رعایت شده است (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰۱/۱۷).

بنابراین با حفظ نام و تبار کودک، سعی شده کرامت او حفظ شود و این امر در تربیت او برای آینده تأثیر بسزایی خواهد داشت.

اما با نگاهی به کنوانسیون می‌توان فهمید که اندیشهٔ تصویب‌کنندگان آن این است که آنان کودک را تنها از آن جهت که صغیر و بی‌دفاع است و موجودی قابل ترحم می‌باشد، مورد ترحم قرار داده‌اند و به حقوق او پرداخته‌اند. برای نمونه، در برخی ماده‌های کنوانسیون، چنین مشاهده می‌شود:

«کودک به خاطر عدم بلوغ جسمی و روانی خود، نیازمند حمایت ویژهٔ حقوقی قبل و بعد از تولد می‌باشد» (سعیدنیا، ۱۳۸۵: ۲۰۸).

همچنین مادهٔ ۳۳ (حمایت در برابر مواد مخدر)^۱، مادهٔ ۳۴ (حمایت در برابر سوء استفادهٔ جنسی)^۲، مادهٔ ۳۵ (خرید و فروش انسان)^۳، مادهٔ ۳۶ (حمایت در برابر انواع

۱. حکومتها تمامی اقدامات مناسب، همراه استفاده از امکانات قانونی، اداری، اجتماعی و آموزشی را به عمل می‌آورند تا کودک را در مقابل موادی که مطابق اسناد بین‌المللی به عنوان مواد اعتیادآور و مخدر شناخته شده‌اند، حمایت نمایند و از به کارگیری غیر مجاز کودکان در تولید و یا توزیع این مواد جلوگیری می‌کنند (سعیدنیا، ۱۳۸۵: ۲۳۰).

۲. حکومتهای عضو کنوانسیون، خود را موظف می‌دانند که کودک را در مقابل هرگونه استثمار سکسی و سوء استفادهٔ جنسی حمایت کنند. آنها برای تحقق این منظور، اقداماتی را در سطح داخلی و خارج از کشور انجام می‌دهند تا:

(الف) کودکان به روابط جنسی غیر قانونی و یا اجباری کشانده نشوند؛

(ب) کودکان در زمینهٔ فاحشه‌گری مورد استفاده قرار نگیرند؛

(ج) از کودکان در پورنوگرافی و نمایشهای سکسی استفاده نشود (همان).

۳. حکومتهای عضو کنوانسیون با به کارگیری تمامی امکانات موجود داخلی و خارجی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از سرقت و خرید و فروش کودکان به هر منظوری که باشد، جلوگیری می‌کنند (همان).

دیگر است شمار)،^۱ ماده ۳۹ (بازسازی اجتماعی کودکان آسیب‌دیده).^۲

این در حالی است که قرآن، کودک را نیز انسانی دارای کرامت می‌بیند و نه فقط از روی ترحم و به دلیل ظلمهای بی‌شماری که به او شده است حقوق او را بررسی می‌کند، بلکه از آن جهت که کودک نیز انسانی در مرتبه دیگر انسانها قرار دارد و او را انسان آینده می‌بیند به این بحثها پرداخته است.

ب) دین‌گرایی

اگر مبنای یک آیین و مکتب، الهی باشد،^۳ همه مباحث و مسائل آن نیز رنگ الهی می‌پذیرد.^۴ بر این اساس، همه مباحث تربیت کودک مطرح شده در قرآن، رنگ الهی دارد؛ اما مبنای کنوانسیون بر سکولاریزم و لیبرالیسم استوار است، لذا در مباحث تربیتی آن دین و مذهب جایی ندارد.

نمونه‌های توجه به دین در تربیت کودک در قرآن:

۱. (به خاطر بیاور) هنگامی را که لقمان به فرزندش در حالی که او را موعظه می‌کرد - گفت: «پسرم! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است» (ر.ک: لقمان / ۱۳).
۲. (پسرم!) با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد (ر.ک: لقمان / ۱۸).
۳. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن مردم و سنگها هستند، نگه دارید (ر.ک: تحریم / ۶).

نمونه‌های بی‌اعتنایی به دین در کنوانسیون:

۱. مقدمه کنوانسیون:
- با توجه به اینکه کودک باید آمادگی کامل برای زندگی فردی در جامعه داشته

۱. حکومت‌های عضو، کودکان را در مقابل انواع استعمار که به زیان آنهاست، حمایت می‌کنند (همان).
۲. برای سلامتی روحی، جسمی و اجتماعی کودکی که قربانی نوعی از بدرفتاری، شکنجه، استعمار یا هر عمل غیرانسانی شده است، حکومت‌های عضو، همه اقدامات مناسب را انجام می‌دهند. بازسازی جسمی و روانی، باید در محیط و شرایط مناسب، سلامتی و منزلت کودک را تأمین کند (همان).
۳. «وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون» (ذاریات / ۵۶).
۴. «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله حق تقاته ولا تموتن الا وانتم مسلمون» (آل عمران / ۱۰۲)؛ رعایت تقوا همیشه و در همه جا.

باشد و در سایه ایده‌آلهایی که در منشور سازمان ملل اعلام شده خصوصاً صلح، احترام، بردباری، آزادی، برابری، برادری و اتحاد بزرگ شود.

مشاهده می‌شود که در این بیانیه، اهداف معنوی و دینی مورد غفلت قرار گرفته است (سعیدنیا، ۱۳۸۵: ۲۰۸).

۲. ماده سه، بند یک:

در تمام اقدامات مربوط به کودکان که توسط مؤسسات رفاه اجتماعی عمومی یا خصوصی، دادگاهها، مقامات اجرایی یا ارگانهای حقوقی انجام می‌شود، منافع کودک از اهم ملاحظات می‌باشد.

از کلمه «منافع کودک» آنچه معمولاً به ذهن متبادر می‌شود منافع مادی و دنیوی است که مصالح عالی کودک به ویژه اهداف معنوی را شامل نمی‌شود. برای مثال، در صورتی که مصالح عالی و معنوی یا اخلاقی کودک مستلزم ادامه زندگی در وطن و منافع عاجل وی در ترک وطن باشد، طبق این ماده و ماده ده، بند دو، مصالح عالی وی نادیده گرفته می‌شود.

۳. ماده ۲۷، بند یک:

کشورهای طرف کنوانسیون موافقت می‌نمایند که موارد ذیل باید جزء آموزش و پرورش کودکان باشد. پیشرفت کامل شخصیت، استعداد و تواناییهای ذهنی و جسمی کودکان و....

این ماده که اهداف برنامه‌های آموزش و پرورش را در پنج عنوان بیان نموده است، از پرورش و ارتقای ارزشهای اخلاقی و باورهای دینی هیچ ذکری به میان نیاورده است (سعیدنیا، ۱۳۸۵: ۲۳۵-۲۴۱).

ج) تعهدپذیری

انسان معتقد به خدا، به حقوق و اخلاق پایبندتر است، چون اخلاق در او نهادینه شده است. در واقع، قرآن، انسان مخاطب خود را تکلیف‌محور، مسئول و پاسخ‌گو می‌داند، در نتیجه، چنین انسانی تعهدپذیر نیز هست (امینی، ۱۳۸۴: ۶۳؛ فرهادیان، ۱۳۷۸: ۲۱۹-۲۲۱).

آیات مربوط به مسئولیت انسان در چند دسته قرار می‌گیرند:

۱. مسئولیت انسان در مقابل خدا و رسول:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِّعُوا اللَّهَ وَاطِّعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (نساء/ ۵۹).

۲. مسئولیت انسان در مقابل خود و خانواده‌اش:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾ (تحریم/ ۶).

۳. مسئولیت در مقابل اجتماع و مؤمنان:

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْعُرْفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ النَّكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ﴾ (توبه/ ۷۱).

ولی در مقابل، چون مبنای کنوانسیون بر سکولاریزم استوار است، لذا انسان را مسئول نمی‌داند. در نتیجه عدم تعهد چنین انسانی، ناگزیر باید به ضمانت‌های اجرایی دیگری از نوع بشری آن مانند حکومتها و دادگاهها و مجامع بین‌المللی تمسک جست. اما از آنجا که در زیربنای این ضمانتها نیز اخلاق حضور کم‌رنگی دارد، باز هم نسبت به ضمانت‌های اجرایی قرآن دارای ضعف و نقصان است. این امر، در بخشهایی از کنوانسیون نمود دارد که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

مقدمه کنوانسیون: «بر اساس اصول پایه‌ای سازمان ملل متحد که از طرف تمامی نمایندگان جامعه بشری عضو آن پذیرفته شده است، احترام به ارزش ذاتی و برابری خدشه‌ناپذیر حقوقی انسانها ترسیم‌گر آزادی، عدالت و صلح در جهان است. ملت‌های دنیا بر مبنای همین اعتقاد، خواهان سعادت عموم بشری در قالب پیشرفتهای اجتماعی، بهبود وضعیت زندگی همراه آزادیهای هر چه بیشتر هستند. با اعلام پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر از سوی سازمان ملل متحد و تضمین بهره‌مندی تک تک افراد بشری از حقوق مندرج در آن به دور از وابستگیهای نژادی، جنسی، مذهبی، فرهنگی، سیاسی، مالی، قومی و یا هرگونه تبعیض دیگری و با توجه به اینکه سازمان ملل متحد در اعلامیه جهانی حقوق بشر به رعایت حقوق ویژه کودکان و حمایت از آنها تأکید کرده است... این کنوانسیون تصویب می‌شود» (سعیدنیا، ۱۳۸۵، ۲۰۸).

ماده ۴۳: کمیسیون حقوق کودکان، برای کنترل پیشرفت اموری که حکومت‌های

عضو پیمان، تضمین آن را داده‌اند، تشکیل می‌شود.

ماده ۴۵: برای پیشبرد و اجرای قاطع این پیمان‌نامه و گسترش همکاریهای بین‌المللی در این رابطه، کارگاه کمک به کودکان و دیگر سازمانها و تشکیلات ویژه سازمان ملل، در مسائل مربوط به زمینه کاری خودشان، نماینده سازمان ملل متحد برای اجرای پیمانهای بین‌المللی هستند (همان: ۲۳۵-۲۴۱).

دوم: اختلافات محتوایی

با بررسی بندهای تربیتی کنوانسیون و محورهای تربیتی قرآن، به تفاوتهای قابل توجهی بین آن دو خواهیم رسید. ابتدا این محورهای تربیتی ذکر شده و سپس بررسی خواهند شد.

مواد تربیتی کنوانسیون

همان‌طور که قبلاً گفتیم بندهای اختصاص یافته به تربیت، از نظر کمی بسیار اندک می‌باشند:

الف) ماده ۲۸ (حق آموزش و پرورش)؛

۱. حکومتها حق آموزش و پرورش را برای کودک به رسمیت می‌شناسند.
 ۲. حکومتهای عضو پیمان کوشش خود را می‌کنند تا روند آموزش و پرورش در مدارس درخور منزلت انسانی بوده و با محتوای این عهدنامه همخوان باشد.
 ۳. حکومتها از همکاریهای بین‌المللی در امور آموزشی و پرورشی استقبال کرده و به خصوص هدف ریشه‌کنی بی‌سوادی و گسترش فن و دانش را دنبال می‌کنند.
- ب) ماده ۲۹ (اهداف تربیتی)؛

حکومتها عضو پیمان تأیید می‌کنند که تربیت باید:

۱. شخصیت، استعداد و تواناییهای روانی و جسمی کودک را تقویت و شکوفا نماید.
۲. احساس احترام و توجه به حقوق بشر و آزادیهای پایه‌ای مصوب سازمان ملل متحد را در کودک پرورش دهد.
۳. نسبت به والدین، هویت فرهنگی و زبان و ارزشهای ملی سرزمین پدری ایجاد

- علاقه و توجه نموده و احترام به فرهنگ دیگر سرزمینها را تقویت کند.
۴. کودک را برای زندگی در یک جامعه آزاد بر پایه تفاهم، صلح، تحمل دگراندیشان، تساوی حقوق زن و مرد و دوستی خلفها و گروههای قومی یا ملی - مذهبی آماده کند.
۵. علاقه و توجه به کودک را نسبت به محیط زیست و طبیعت بیشتر کند (همان، ۱۳۸۵: ۲۲۶-۲۲۸).

محورهای تربیتی قرآن

قرآن به محورهای اصلی و نیز نکات دقیق تربیت کودک پرداخته است. برای نمونه:

الف) توجه به دین و خط فکری صحیح: از وظایف پدر و مادر این است که به فکر دین و مذهب و شیوه معرفتی فرزندان خود باشند و ایشان را به خط فکری صحیح، هدایت و راهنمایی کنند و یا اینکه حداقل او را از راه صحیح و هدایت یافته به بیراهه کفر و ضلالت سوق ندهند.

۱. توجه به خداپرستی فرزندان:

و ابراهیم و یعقوب (در واپسین لحظات عمر) فرزندان خود را به این آیین، وصیت کردند (و هر کدام به فرزندان خویش گفتند): «فرزندان من! خداوند این آیین پاک را برای شما برگزیده است و شما جز به آیین اسلام [تسلیم در برابر فرمان خدا] از دنیا نروید (ر.ک: بقره/ ۱۳۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۶۲/۱؛ قرائتی، ۱۳۸۸: ۲۰۸/۱).

آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، شما حاضر بودید؟ در آن هنگام که به فرزندان خود گفت: «پس از من، چه چیز را می‌پرستید؟» گفتند: «خدای تو و خدای پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، خداوند یکتا را، و ما در برابر او تسلیم هستیم (ر.ک: بقره/ ۱۲۳).

و نیز در دعاهای حضرت ابراهیم نشانه‌هایی از این نگرانی برای دین و اسلام فرزندان به چشم می‌خورد، زمانی که گفت:

پروردگارا، ما را تسلیم فرمان خود قرار ده و از دودمان ما، امتی که تسلیم فرمانت باشند، به وجود آور و چگونگی عبادت‌مان را به ما نشان ده و توبه ما را بپذیر، که تو توبه‌پذیر و مهربانی (ر.ک: بقره/ ۱۲۸).

۲. توجه به دستورات دینی (سفارش به رعایت حجاب):

ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: «جلبابها [روسریهای بلند] خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است (و اگر تا کنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده رحیم است (ر.ک: احزاب/ ۵۹).

ب) مسئولیت پذیری: تربیت فرزندان امری تدریجی است که به صبر و حوصله نیاز دارد. در طول دوران کودکی، والدین موظفند راه و رسم و شیوه برخورد با مشکلات و رفتار در شرایط بحرانی یا وفور نعمت را به فرزندان بیاموزند. این امر مهم همیشه با بحثهای نظری و نصیحتهای بدون عمل، کارآیی ندارد، بلکه باید فرزندان را درگیر زندگی روزمره کرد و شرایط مختلف زندگی را به ایشان نشان داد. برای تحقق این هدف لازم است والدین نسبت به حس مسئولیت پذیری فرزندان واکنش نشان داده و آنها را در شرایط تجربه زندگی قرار دهند.

از جهتی دیگر، والدین باید با نظارت دقیق و کنترل مسئولیتهایی که به فرزندان واگذار می کنند زمینه تربیت صحیح آنها را فراهم آورند. نمونه ای از این امر را می آوریم: در داستان حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام مادر ایشان به دلیل مسائل امنیتی، پیش فرعونیان نرفت بلکه خواهر موسی را فرستاد تا هم او را زیر نظر بگیرد و هم مذاکرات کفالت را انجام دهد. در واقع اینجا مادر به دخترش مسئولیتی می دهد تا انجام دهد و او نیز به خوبی از عهده آن برمی آید. همچنان که در ادامه داستان می بینیم با انجام مذاکرات شایسته، موسی را به مادر برمی گرداند. در حین عمل نیز سعی می کند صندوق برادر را از دور زیر نظر داشته باشد تا اینکه این مراقبت بسیار عادی باشد و سبب حساسیت و تحریک دشمن نگردد.

در آن هنگام که خواهرت (در نزدیکی کاخ فرعون) راه می رفت و می گفت: «آیا کسی را به شما نشان دهم که این نوزاد را کفالت می کند (و دایه خوبی برای او خواهد بود)؟» پس تو را به مادرت بازگردانیم، تا چشمش به تو روشن شود و غمگین نگردد (ر.ک: طه/ ۴۰).

و (مادر موسی) به خواهر او گفت: «وضع حال او را پیگیری کن!» او نیز از دور ماجرا را مشاهده کرد در حالی که آنان بی خبر بودند (قصص/ ۱۱).

ج) نام نیک نهادن: داشتن نام، یک حق طبیعی و ضرورت عرفی-اجتماعی محسوب می‌شود و البته هر منطقه و هر فرد و قومی به تناسب احوال و روحیاتشان و سوابق تاریخی-جغرافیایی و بر اساس مدل زبانی و گفتاریشان از اسمهای خاصی بیشتر استفاده می‌کنند و برخی نامها را بیشتر دوست دارند. داشتن نام نیکو و زیبا از جهت روحی-روانی نیز تأثیرهایی بر فرد و اجتماع دارد.

دین اسلام به جهت رعایت همه مسائل شخصی و اجتماعی انسان به این مهم نیز توجه کرده است. قرآن یکی از وظایف والدین در قبال فرزندان را تعیین نام نیکو و مناسب می‌داند.

﴿يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَىٰ لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا﴾ (مریم / ۷)؛ ای زکریا، ما تو را به فرزندی بشارت می‌دهیم که نامش «یحیی» است و پیش از این، همنامی برای او قرار نداده‌ایم.

د) پرورش و آموزش تجربه‌ها: والدین باید در جهت پرورش فرزندان تلاش بسیار نموده و تجربه‌های درست و آموزنده خود را در اختیار ایشان قرار داده و سعی در آموزش صحیح و متناسب آنها داشته باشند. آیات قرآن، نمونه‌های زیبایی از این حق فرزندان را به تصویر کشیده است:

۱. پرورشهای اخلاقی: داستان لقمان و موعظه‌های سرشار از حکمتش در قرآن، نمونه‌ای از این پرورشهای اخلاقی می‌باشد که آیات آن در بخش قرآن و تربیت ذکر شد (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶/۳۳۰).

۲. آموزش رفتار در خانه: رفتارهای فرزندان در اجتماع و منزل، تابع نوع برخورد و آموزشهای خود پدر و مادر در محیط خانه است. رعایت حقوق دیگران، مخصوصاً والدین از دیگر رفتارهایی است که باید به فرزندان آموزش داده شود. یکی از این موارد که مربوط به حقوق خود والدین می‌باشد، اذن ورود گرفتن اطفال هنگام ورود به حریم خصوصی والدین است که آیات مربوط به آن در بحث قرآن و تربیت کودک مطرح شد (ر.ک: مدرسی، ۱۳۷۷: ۸/۳۵۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴/۵۳۹؛ قرآنی، ۱۳۸۳: ۸/۲۰۹).

۳. آموزش شیوه برخورد با دیگران (برادران):

﴿إِذْقَالَ يُوسُفُ لِأَيِّهِ بَأْتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ. قَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَقْتَضِ زُؤْيَاكَ عَلَى إِخْوَانِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ (يوسف / ۴-۵)؛ (به خاطر بیاور) هنگامی را که یوسف به پدرش گفت: «پدرم! من در خواب دیدم که یازده ستاره و خورشید و ماه در برابرم سجده می کنند». گفت: «فرزندم! خواب خود را برای برادرانت بازگو مکن که برای تو نقشه (خطرناکی) می کشند چرا که شیطان، دشمن آشکار انسان است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۰۵/۱۱؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۳۱/۶).

۴. آموزش رفتار در موقعیتهای خاص:

﴿وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ بُصْرَتْ بِهِ عَنْ جُنُبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ (قصص / ۱۱)؛ و (مادر موسی) به خواهر او گفت: «وضع حال او را پیگیری کن!» او نیز از دور ماجرا را مشاهده کرد در حالی که آنان بی خبر بودند.

ه) محبت و احترام: نظام اجتماعی و روابط انسانی بر پایه نیازها شکل می گیرد و یکی از مهم ترین این نیازها، محبت و احترام است که در تداوم و عمق جامعه انسانی تأثیر شایانی دارد و یکی از پایه های دین اسلام محسوب می شود. این نیاز به روابط عاطفی، محبت آمیز و احترام به شخصیت، در بین فرزندان و پدر و مادر پررنگ تر از دیگر روابط موجود در جامعه انسانی است.

قرآن کریم نیز به این مهم توجه داشته است و نمونه هایی از الگوهای روابط خانوادگی را می آورد تا به ما نوع و اندازه محبت و احترام را نشان دهد.

نمونه های آياتی که اشاره شد، در بیشتر آنها تعبیر به «یابنی» نشان از محبت به فرزندان دارد. همچنین اضافه کردن و منسوب کردن فرزندان به خود، نشان دیگری از محبت والدین است (ر.ک: قرائتی، ۱۳۸۳: ۲۴۴/۹؛ ۴۹/۱۰؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۲۴۹/۸).

- ﴿وَإِذْقَالَ لُقْمَانَ لِأَبْنِهِ وَهُوَ يَعْظُمُهُ يَا بَنِيَّ﴾ (لقمان / ۱۳).

- ﴿فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بَنِيَّ إِنِّي آرِي﴾ (صافات / ۱۰۲).

- ﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا﴾ (آل عمران / ۶۱).

- ﴿قَالَ يَا قَوْمِ هُوَ لَا بَنَاتِي﴾ (هود / ۷۸).

و) اعتماد و مشورت: فرزندان نیاز دارند تا مورد احترام واقع شوند و با آنها در تصمیم گیریها مشورت شود. این اعتماد و مشورت والدین با آنها، فواید بسیاری دارد

از جمله: آماده شدن آنها برای ورود به زندگی پرتلاطم جامعه، احساس احترام و شکل‌گیری شخصیت رشدیافته در آنها، بروز ابتکارات و خلاقیتها، روان شدن مدیریت خانواده و اجتماع و در نهایت پیشرفت در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و... قرآن، نمونه‌هایی از این نوع برخورد با فرزندان را آورده است، از جمله: داستان مشورت خواستن ابراهیم علیه السلام از پسرش اسماعیل علیه السلام درباره ذبح او که آیات مربوط به آن در بحث قرآن و تربیت کودک ذکر شد (صافات/۱۰۲-۱۰۳؛ ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۰/۱۷؛ علامه فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۲۰۷/۱۹؛ مدرسی، ۱۳۷۷: ۲۵۶/۱۱؛ تقفی، ۱۳۹۸: ۴/۴۴۱).

بررسی محورهای تربیتی

در نهایت، با نظر به محورهای یادشده، می‌توان وجوهی برای تفاوت‌های محتوایی بین این دو نظام تربیتی برشمرد:

۱. مقوله تربیت کودک، در کنوانسیون بسیار کلی و مبهم مطرح شده است، اما قرآن به صورت جزئی و دقیق به آن می‌پردازد.
۲. کنوانسیون، زیرساخت‌های تربیتی ندارد، ولی قرآن این کار را با مبانی تربیتی که ذکر شد (کرامت انسان، دین‌گرایی و تعهدپذیری) انجام داده است.
۳. کنوانسیون در زمینه تربیت، روشی را ارائه نمی‌دهد، در حالی که قرآن با روش‌های گوناگون؛ قصه، تمثیل، خطاب، امر و نهی و... بسیار دقیق وارد می‌شود و ابزارهای گوناگونی را در این زمینه دخیل می‌کند.
۴. کنوانسیون، فاقد هرگونه تقسیم‌بندی برای انواع مختلف تربیت می‌باشد، در حالی که قرآن تقسیم‌بندی تربیتی دارد و برای هر نوع تربیت، یک نوع برنامه دارد. برای نمونه: تربیت جنسی، تربیت عاطفی، تربیت اجتماعی، تربیت اخلاقی و... از انواع تربیتی می‌باشد که در قرآن مطرح شده است.
۵. پشتوانه‌های تربیتی که در کنوانسیون تعریف شده است صرفاً حقوقی و حکومتی است، لذا ضمانت‌های اجرایی قوی و محکمی نیست. اما قرآن، اخلاق و خود شخص را بر اساس دین‌محوری و مسئولیت‌مداری، پشتوانه مباحث تربیتی خود

قرار می‌دهد.

۶. نگاه تربیتی قرآن از همان آغاز حیات کودک شروع می‌شود، همان‌گونه که ملاحظه شد نام‌گذاری و تربیت رفتارها در خانه، از این قبیل هستند. اما کنوانسیون، این قدر جزئی وارد نشده است.

۷. حیات اخروی از مهم‌ترین مباحث تربیتی کودک است و دیگر مباحث تربیتی به این امر وابستگی بسیاری دارند، ولی کنوانسیون، بر اساس مبانی سکولار خود اصلاً بدان پرداخته است. کودک از نظر کنوانسیون تنها انسانی است که به دنیا آمده باشد.

۸. مباحث تربیتی قرآن در بُعد معنوی، بیشتر از ساحت‌های مادی تربیت مورد تأکید قرار گرفته است. برای نمونه قرآن، تزکیه را بر تعلیم و آموزش مقدم می‌داند. نیز روحیه‌های بارزشی چون: ایثار و فداکاری، حلم و بردباری، قناعت و زهد، اخلاص و... را مورد توجه دارد، در حالی که کنوانسیون بیشتر به جنبه‌های مادی تربیت می‌پردازد، اگر هم اشاره‌ای به این موارد داشته باشد به صورت کلی، گذرا و ناقص خواهد بود.

نتیجه‌گیری

اکنون که دو نظام‌واره تربیتی قرآن و کنوانسیون حقوق کودک، مورد بررسی و واکاوی قرار گرفت، این مهم کشف شد که نظام تربیتی‌ای که قرآن مطرح کرده است، در بسیاری از جهات، دارای برتری و جامعیت نسبت به کنوانسیون می‌باشد. این بررسی که در دو بُعد مبنایی و محتوایی به کم و کیف آنها پرداخت، نشان داد که نظام تربیتی قرآن دارای چه ابعاد گسترده و دقیقی می‌باشد.

کتاب‌شناسی

۱. ابن مکرّم، محمد، *لسان العرب*، ج ۹، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۲. اسعدی، حسن، *خانواده و حقوق آن*، مشهد، به نشر، ۱۳۸۷ ش.
۳. امینی، ابراهیم، *اسلام و تعلیم و تربیت*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۴ ش.
۴. ثقفی تهرانی، محمد، *تفسیر روان جاوید*، تهران، برهان، ۱۳۹۸ ق.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن احمد، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
۶. رشیدپور، مجید، *تربیت کودک از دیدگاه اسلام*، تهران، سازمان انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۸ ش.
۷. رضایی اصفهانی، محمدعلی، *تفسیر تربیتی سوره حمد*، *مجله قرآن و علم*، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۷ ش.
۸. سعیدنیا، محمدرضا، *مجموعه قوانین اطفال و نوجوانان*، تهران، حقوقی، ۱۳۸۵ ش.
۹. ضیایی بیگللی، محمدرضا، *حقوق بین الملل عمومی*، چاپ سوم، تهران، رشدیه، ۱۳۷۱ ش.
۱۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
۱۱. عبادی، شیرین، *حقوق کودک*، ج ۱، تهران، کانون، ۱۳۷۵ ش.
۱۲. فرهادیان، رضا، *مبانی تعلیم و تربیت در قرآن و احادیث*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۸ ش.
۱۳. فضل الله، سیدمحمدحسین، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ ق.
۱۴. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
۱۵. قرشی، سیدعلی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ ش.
۱۶. لباف، فریبا، *حقوق فرزند از نظر قرآن و سنت*، تهران، زهد، ۱۳۸۵ ش.
۱۷. مدرسی، سیدمحمدتقی، *تفسیر هدایت*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷ ش.
۱۸. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۱۹. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، تهران، اسراء، ۱۳۸۵ ش.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۲۱. منصور، جهانگیر، *قوانین و مقررات مربوط به خانواده*، تهران، دوران، ۱۳۸۲ ش.